

# «کشتی نوح» یا «کشتی نوح»

## چکیده

هدف از تحریر این مقاله، اظهار یکی از مشکلات املایی موجود در زبان فارسی و حل آن با دلایلی مستند و منطقی است؛ این که مضاف های مختوم به مصوت های بلند «آ» و «او» به صامت میانجی «ی» نیاز دارند، اما مضاف های منتهی به مصوت «ای» خیر، موضوعی است که در این گفتار به تفصیل کاویده شده و عدم صحت آن به اثبات رسیده است.

## پنج عبارت کلیدی مقاله:

- ۱- مضاف های مختوم به مصوت بلند «ای» نیز همچون سایر مضاف های مختوم به مصوت، به صامت میانجی «ی» نیاز دارند.
- ۲- با توجه به ساخت دستگاه آوایی زبان فارسی، پیاپی آوردن دو مصوت میسر نیست؛ بنابراین چون «کشتی نوح» با این دستگاه منافات دارد، غلط و «کشتی ی نوح» که با آن سازگار است - درست است.
- ۳- اگر قائل به صحیح بودن «کشتی نوح» باشیم، نه «کشتی ی نوح» قائل به وجود هجای یک واجی در زبان فارسی شده ایم.
- ۴- هر چه خط به گفتار نزدیک تر باشد، از ریختی طبیعی و ساختن اصیل تر بهره مند است.
- ۵- از آن جا که کسره ی اضافه و صامت میانجی در اصل کلمه ی مضاف وجود ندارند، هر گاه به ضمائر پیوسته ملحق شوند، حذف می شوند و اصل کلمه ی مضاف برجای می ماند. این قضیه نیز درستی «کشتی ی نوح» را بر «کشتی نوح» نشان می دهد.

شهرستان علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

میرتضی یاوریان

## میرتضی یاوریان - خرم آباد

میرتضی یاوریان (متولد ۱۳۴۲ خرم آباد) کارشناس زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه علامه طباطبائی با هجده سال سابقه خدمت، هم اکنون در دبیرستان ها و مراکز پیش دانشگاهی خرم آباد تدریس می کند.

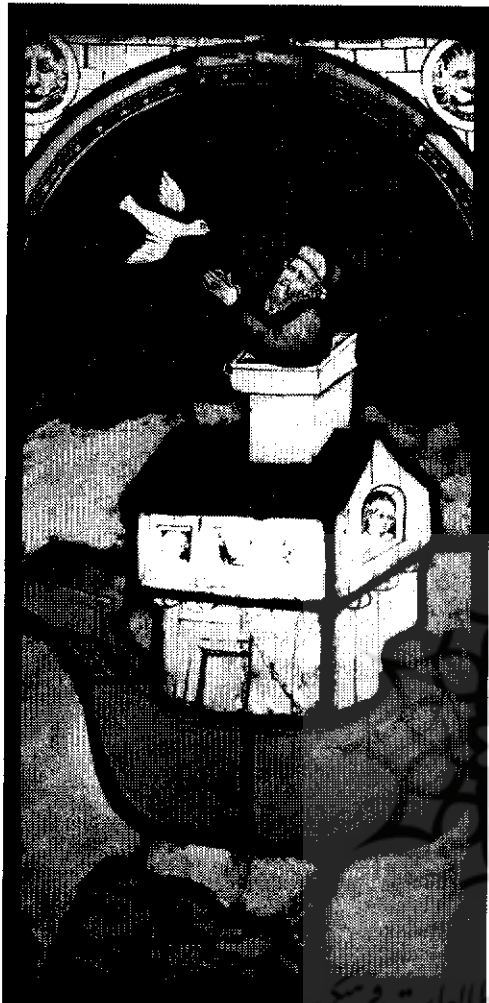
در بیاموزیم صفحه ی ۱۰۸ کتاب زبان فارسی سال اول دبیرستان آمده است:

در نمونه های همای سعادت، سیوی آب، کشتی نوح کلمه های مضاف به مصوت های «آ»، «او» و «ای» ختم شده است.

املای کلمات مضاف که به مصوت «آ» و «او» ختم شوند، با حرف میانجی «ی» درست است؛ خدای بزرگ، کندوی عسل.

املای کلمات مضاف که به مصوت بلند «ای» ختم شوند، بدون حرف میانجی درست است؛ قاضی شهر، شادی دل ها، ... بنابراین نمی نویسیم: کشتی ی نوح، یا قاضی ی شهر





**کشتی نوح (کشتی - نوح):**

keštienoh

مصوت کوتاه «ی» مصوت بلند «ای»

**لانه پرنده (لانه - پرنده):**

lāneeparande

مصوت کوتاه «ا» مصوت کوتاه «ای»

**پارسان (پارسان):**

pārsâân

مصوت بلند «آ» مصوت بلند «آء»

**هوا بهاری (هوا - بهاری):**

havaebahâri

مصوت کوتاه «ا» مصوت بلند «آء»

و ... ؛ چون حرف «ی» در این نمونه ها هم نشان دهنده ی مصوت «ای» و هم حرف میانجی «ی» است ؛ پس می نویسیم بازی بچه ها و می خوانیم بازی بچه ها . این شیوه ی املا در کلماتی مانند «ایا»، «خیابان»، «سیاست» و ... نیز رایج است .

نگارنده معتقد است مضاف هایی که به مصوت بلند «ای» ختم می شوند نیز ، به حرف میانجی «ی» نیاز دارند و لذا املا ی «کشتی ی نوح» و «قاضی ی شهر» و ... صحیح است و نه «کشتی نوح» و «قاضی شهر» و ... زیرا:

۱- به دنبال مصوت ، مصوت آوردن برخلاف دستگاه آوایی زبان فارسی است و عملاً مصداقی ندارد .

با توجه به ساختمان هجا در زبان فارسی (cv(c)) درست دانستن «کشتی نوح» و غلط پنداشتن «کشتی ی نوح» ؛ یعنی آوردن بی فاصله ی دو مصوت به دنبال هم :

پروژه سنجش علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی





حال آن که در زبان فارسی همیشه بین دو مصوّت، صامت میانجی قرار می گیرد و خلاف آن دیده نشده است، بر این اساس شکل صحیح نمونه های بالا چنین است:

**کشتی ی نوح:**

keštiyenouh

مصوّت کوتاه «ا» - صامت میانجی مصوّت بلند «ای»

**لانه ی پرنده:**

lâne ye parande

مصوّت کوتاه «ا» - صامت میانجی مصوّت کوتاه «آ»

**پارسایان:**

parsâyân

مصوّت بلند «آ» - صامت میانجی مصوّت بلند «آ»

**هوای بهاری:**

havâ ye bahâri

مصوّت کوتاه «ا» - صامت میانجی مصوّت بلند «آ»

۱- با پذیرفتن این که هنگام مضاف واقع شدن واژه های مختم به مصوّت «آ» و «او» به صامت میانجی نیاز است، اما با ختم این نوع کلمات به مصوّت «ای» خیر، دچار تناقض می شدیم؛ زیرا این که در همین کتاب و سایر کتابهای زبان فارسی دوری دبیرستان به دانش آموز آموخته می شود که برای آسان شدن تلفظ میان دو مصوّت، یک صامت اضافه می کنند و شکل های هم در تأسیس آن آورده می شود.

۱- همزه: خانه ای بزرگ ← xâne-irozerg

ج: سبزیجات ← sâbzijât

ک: پلکان ← pellekân

گ: زندگی ← zendegi

و: بانوان ← bânovân

ی: خانه ی دوست ← xâneye dust

ناسازی آن جاست که برای مقدمه ای واحد، نتیجه ای واحد نگرفته ایم؛ از یک سو معتقدیم که اگر واج پایانی کلمه ای مصوّت باشد، با اضافه شدن به کلمه ای دیگر، صامت می خواهد، اما از سویی دیگر بر این باوریم که این حکم استثنا دارد و شامل مصوّت بلند «ای» نمی شود. ممکن است در برخی پهنه ها و پدیده ها، استثنایی وجود داشته باشد، اما در این قضیه، استثنایی دیده نمی شود؛ مصوّت، مصوّت است و هرگونه ی آن که مضاف واقع شود، به صامت میانجی نیاز دارد و استثنا بر نمی تابد.

۳- ممکن نیست یک حرف یعنی «ی» به تنهایی هم نشان دهنده ی مصوّت «ای» باشد و هم نشان دهنده ی صامت میانجی «ی». ناگفته کاملاً پیدا است که یک چیز در آن واحد، نمی تواند دو چیز باشد؛ آن چیز یا خودش است و یا نیست. در این جا نیز این حرف یعنی «ی» یا باید صامت باشد و یا مصوّت و چون مصوّت است و در پایان واژه هایی مانند: کشتی و قاضی آمده است و این واژه ها نیز مضاف، واقع شده اند، برای صحت و سهولت تلفظ آن ها، این مصوّت به صامت میانجی می پیوندد که در این جا، این صامت به صورت «ی» ظاهر می شود و نقش خود را ایفا می کند:

کشتی + ی + ... نوح ← کشتی ی نوح  
kešti + ye + nuh ← keštiyenouh

تعداد آن جا که هیچ میانجی در زبان فارسی با مصوّت شروع نمی شود و همواره قبل از آن صامت آغازین وجود دارد، صحیح شمرده می شود. «کشتی نوح» دور از این قاعده عمل کرده است:

کشتی نوح ← کشت اتی ای نوح

keš | ti | ye | nuh

لذا در این جا نیز صامت آغازین باید داشته باشیم که آن هم جز «ی» صامت دیگری نمی تواند باشد:

کشتی نوح ← کشت اتی ای نوح  
keš | ti | ye | nuh

هد با ترجیح «کشتی نوح» بر «کشتی ی نوح» عملاً قائل به وجود هجای یک واجی در زبان فارسی شده ایم:

کشت اتی ای نوح  
keš | ti | enuh

در حالی که هجاهای موجود در زبان فارسی از دو، سه و یا چهار واج تشکیل شده اند؛ لذا «کشتی ی نوح» که فاقد هجای یک واجی است و در آن مصوّت «\_» بعد از صامت «ای» می آید، بر «کشتی نوح» ارجحیت دارد:

کشت اتی ای نوح  
keš | ti | ye | nuh

۴- زبان - که نظامی ذهنی و دستگامی انتزاعی است - ابتدا به صورت گفتار نمود پیدا کرده و بعدها به شکل نوشتار (خط) خود را نشان داده است. بنابراین هرچه خط به گفتار نزدیک تر باشد، از ریختی طبیعی تر و ساختی اصیل تر بهره مند است و از آن جا که «کشتی ی نوح» صورت ملفوظ آن نیز هست، ارجح دانستن بر «کشتی نوح» در راستای منطق و طبیعت زبان است و با آن منافاتی ندارد.

۵- در حین تسهیل در امر یاددهی می شود و کارکرد نقش امسای «ای» را در ترکیب های وصفی و اضافی لغوی دسترس به تمام لغات می کند. اصولاً در هر جفت و جوزه ای فارسی معتبر و فراگیر است که استثنا و استسره ی کمتری داشته و آن تصور و کلیت بیشتری بر خود دارد. صراحت و کلیت در مانی و نظریات علمی، هم در همین بحر آن ها مشهور است و هم در فهمیدن آن ها با این وصف

مُوخْتَن مَبْحَثْ نَقْشْ نَمَایْ اَضَافَه بَه تَرْتِیْب :  
**مُضَاف و مَوْصُوف**

مُخْتوم بَه صامِت : بَه وَاج مِیَانجِی نِیَاز نِداَرَد .

مُخْتوم بَه مِصَوْت

کُوتاه : بَه وَاج مِیَانجِی «ی» نِیَاز دَارد .

بَلند : بَه وَاج مِیَانجِی «ی» نِیَاز دَارد .

ساده تر از مُوختَن آن بَه تَرْتِیْب زِیر اسْت :

**مُضَاف و مَوْصُوف**

مُخْتوم بَه صامِت : بَه وَاج مِیَانجِی «ی» نِیَاز

نِداَرَد .

**مُخْتوم بَه مِصَوْت**

کُوتاه : بَه وَاج مِیَانجِی «ی» نِیَاز دَارد .

بَلند : اِگَر مُخْتوم بَه مِصَوْت هَایِ «آ» و «او»

بَاشَد ، بَه وَاج مِیَانجِی «ی» نِیَاز دَارد .

اِگَر مُخْتوم بَه مِصَوْت «ای» بَاشَد ، بَه وَاج

مِیَانجِی «ی» نِیَاز نِداَرَد .

۸- مُضَاف هَایِ مُخْتوم بَه مِصَوْت هَایِ بَلند

«آ» و «او» و «ای» دَر شِکْلِ واقِعِی زَبان یَعْنِی

گُفتار و مَحاوره ، هَر گَاه بَه ضَمایِر پیوسته مَلْحَق

شَوْنَد ، صامِت مِیَانجِی و کِسرَه یِ اَضافَه یِ خُود

را- که عاریتی اسْت- از دِست می دَهْنَد و

مِصَوْتشان کِه دَر اصِل کَلِمه و جُود دَارد ، بَر جَای

می مَاند :

بَای مَن ← پام

pāyeman → pām

پَای تُو ← پات

pāyeto → pāt

سِوی شِما ← سِوَتان

sābūye šomā → sabūtan

سِوی آن هَا ← سِوَتان

sābūye ānān → sabūtan

کِشتِی یِ مَرا ← کِشتِیان

keštīyemā → keštīān

کِشتِی یِ شِما ← کِشتِیان

keštīyeshomā → keštīān

این لَکِه بَیان کَر نِیَاز هَمه یِ مُضَاف هَایِ

مَتَهی بَه مِصَوْت بَلند بَه وَاج مِیَانجِی اسْت ، دَر

صُورَتِی کِه اِگَر تَنها مُضَاف مُخْتوم بَه مِصَوْت بَلند

«ای» بی نِیَاز از یَای مِیَانجِی بُود ، اوْلا تَغییر

نمی کُرد و صامِت مِیَانجِی و کِسرَه یِ اَضافَه یِ

خُود را از دِست نمی داد و ثانیاً اِگَر هَم تَغییر

می کُرد ، بَه شِکْلِ نامِعْمول و غَلط زِیر خُود را

نشان مِیاد :

کِشتِی یِ مَرا ← کِشْتان

keštīyemā → keštān

کِشتِی یِ شِما ← کِشْتان

keštīyeshomā → keštān

\*\*\*

دَر این حَالت (عَدَم نِیَاز مُضَاف مُخْتوم بَه

مِصَوْت «ای» بَه صامِت مِیَانجِی «ی» ) .

- هَمان طُور کِه مَلاحِظَه می شُود- مُضَاف بَه طُور

کَلّی تَغییر می کُند و از کَلِمه یِ (کِشتِی) بَه کَلِمه یِ

دیگَر (کِشت) تَغییر چَهره می دَهد و بَدین گُونه

نِیَاز خُود را بَه صامِت مِیَانجِی «ی» نِشَان می

دَهد .

۹- بَا مَقْلُوب کُردن تَرکیب هَایِ و صَفْسی و

اضَافِی ، هَمچون قَاعَدَه یِ هِشْت ، آن چَه دَر

اصِل این کَلِمات و جُود نِداَرَد ، حَذف می شُود .

دَر مُضَاف هَایِ مُخْتوم بَه صامِت ، کِسرَه یِ اَضافَه

از بَین می رُود و دَر مُضَاف هَایِ مُخْتوم بَه

مِصَوْت ، کِسرَه یِ اَضافَه و وَاج مِیَانجِی :

دِیوار سَفید ← سَفید دِیوار

divāresefid → sefiddivār

لَانه یِ کُوجِک ← کُوجِک لَانه

lāneye kučak → kučaklāne

هَوا یِ رُوسْتا ← رُوسْتا هَوا

havāyerusta → rustahavā

سِوی رُوسْتا ← سِوَتان

sābūye rustā → sabūtan

کِشتِی بُزرگ ← بُزرگ کِشتِی

keštīyebuzurg → bozorgkeštī

این طُر اِیْنَد بَه رُوشَنی نِشَان می دَهد کِه مُضَاف

بَه مِصَوْت بَلند «ای» نِیَاز بَه وَاج مِیَانجِی «ی»

اِحتِیَاج دَارد و اِگَر نمی دَاشت و صَرف بُودن «ی» دَر

اَخرین واژَه هَا کَفایت می کُرد ، دَر حَالت قَلب حَذف

نمی شُد و بَه شِکْلِ ناصَحیح زِیر بَروز نمی کُرد :

کِشتِی بُزرگ ← بُزرگ کِشت و یا :

keštīyebuzorg → bozorgkešt

کِشتِی نُوح ← نُوح کِشت و یا :

keštīenuh → nuhkešt

و بَدیْهی اسْت کِه اِگَر کِسرَه یِ اَضافَه و

سِکُوی آن یَعْنِی «ی» را حَذف نِکُنیم ، قَلب آن

صُورَت زِیر را بَه خُود می گِیرد :

کِشتِی بُزرگ ← بُزرگ کِشتِی و یا :

keštīyebuzorg → bozorgkeštīe

کِشتِی نُوح ← نُوح کِشتِی و یا :

keštīenuh → nuhkeštīe

کِه صُورَتِی اسْت کَاملاً غَلط و نامِرسُوم .

دَر پیُوند بَا مِباحِثِی کِه بَه تَفصیل بَیان شُد ،

گُفتنی اسْت کِه طُرح کَلِماتی مَمانَد «بِسا» ،

«خِیابان» و «سِیَاسَت» دَر صَفْحَه یِ مَذکور کِتاب

مُورَد نَظَر ، ناصُواب اسْت و اِرْتِباط چَندانِی بَا

مُوضُوع نِداَرَد ؛ زِیرا این واژَه هَا بَر خِلاف

«کِشتِی یِ نُوح» ، «سِوی آب» و از این قَبیل- کِه

تَرکیب هِستند و از چَند واژَه تَشکِیل شُدَه اند- یک

واژَه بَیشتَر نِیستند ؛ لَذا نِباَید آن هَا را دَر زَمْرَه یِ

تَرکیب هَا و قُواعِد آن هَا بَه شِمار آُورَد و حَکمی

واحد بَرایشان جَاری دانِست .

### پانویس ها

۱- زبان فارسی (۱)، سال اوک دبیرستان، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.

۲- زبان فارسی (۳)، سال سوم نظام جدید آموزش متوسطه (همه ی رشته ها)، چاپ سوم، ۱۳۸۰.

۳- مآخذ شماره ی (۱)، ص ۱۰۸، بند (۴)

### منابع

۱- نمره، یداله، آواشناسی زبان فارسی، تهران، مرکز نشر

«انگلیسی»، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

۲- حق شناس، علی محمد، آواشناسی، تهران، انتشارات

نگار، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.

۳- زبان فارسی سال هفتم اوله نوبت و سوم دوره ی

دبیرستان، چاپ ۱۳۸۰.

۴- مشکوٰۃ الفهر، هندی، سیاحت اولی زبان، مشهد،

انتشارات دانشگاه تربیتی، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.